

اثر بخشی برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز بر میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان پسر زورگو

روان‌شناسی
بالینی
و شخصیت

نویسنده: نسیم استکی آزاد^{۱*}، شعله امیری^۲، منصوره مقتدائی^۳ و زهره لطیفی^۴.

دانشور
رفتار

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص
۲. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان
۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص
۴. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

* Email: Azad.psy@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین اثربخشی برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز بر میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان پسر زورگوی پایه‌های دوم و چهارم ابتدائی شهر اصفهان بود. این پژوهش به روش نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با دو گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید. جامعه آماری، شامل کلیه‌ی کودکان پسر زورگو پایه‌های دوم و چهارم مقطع ابتدائی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ بودند. نمونه ۴۰ نفر از کودکان زورگو بودند که از بین پایه‌های دوم و چهارم، که به صورت تصادفی چند مرحله‌ای از بین نواحی شش‌گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان انتخاب شده و به طور تصادفی در دو گروه ۲۰ نفره آزمایش و کنترل گمارش گردیدند. ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در پژوهش عبارت بود از جامعه‌سنجی و مقیاس سنجش روابط همگنان با سه زیرمقیاس: زورگویی، قربانی و رفتار پسندیده اجتماعی. گروه آزمایش در ده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای به صورت دوبرار در هفته، تحت برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS-15 و روش آماری تحلیل کواریانس چندمتغیری (مانکوا)، انجام پذیرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز، میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان پسر پایه‌های دوم و چهارم ابتدائی در مراحل پس‌آزمون و پیگیری به صورت معناداری افزایش داد ($P < 0/0001$). بنابراین، می‌توان گفت برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز، رفتارهای پسندیده اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ لذا مهم‌ترین کاربرد این پژوهش اثربخشی آن در زمینه‌ی افزایش

• دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۱۰

• پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۱۵

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
twentieth Year, No.9
Autumn & Winter
2013-2014

Clinical Psy & Personality

دوفصلنامه علمی-پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال بیستم - دوره جدید

شماره ۹

پاییز و زمستان ۱۳۹۲

سطح رفتارهای پسندیده اجتماعی در مدارس و به طور کلی جامعه خواهد بود. این روش می‌تواند به منظور کاهش رفتارهای آزاردهنده و مخرب و ارتقاء میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی در روابط همگنان به کلیه متخصصان دست‌اندرکار مسائل کودکان پیشنهاد گردد.

کلید واژه‌ها: برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز، رفتارهای پسندیده اجتماعی و زورگویی.

مقدمه

روابط همگنان یکی از مهمترین جنبه‌های رشد اجتماعی کودکان است [۱] و به روابطی اشاره دارد که بین افراد همگن، یعنی افرادی که از لحاظ مهارت، سطح آموزشی و یا موقعیتی برابر باشند، شکل می‌گیرد [۲] که لزوماً هم سن و سال نیستند [۳].

ویژگی‌های جهانی مانند مهربانی و اجتماعی بودن و برخی رفتارهای بخصوص مانند توجه کردن و تأیید کردن کار دیگران، تن دادن به خواسته‌های افراد دیگر و بخشش همواره با پذیرفته شدن از طرف دوستان و همگنان پیوند داشته است؛ کودکانی که محبوبیت کمتری دارند و منزلت اجتماعی آنان نزد همگنانشان پایین است، بیشتر وقت خود را با اوهام و رویا سپری می‌کنند یا این که از دیگران روی بر می‌تابند [۴].

رفتار پسندیده اجتماعی به رفتارهای انطباقی مثبت و تجاربی نظیر شرکت در فعالیتهای اجتماعی، تعامل اجتماعی و برقراری دوستی اطلاق می‌شود [۵]. در قالب این نقش عمل کردن، غالباً باعث می‌شود که کودک بتواند خود را کنترل کند، زیرا مستلزم آن است که او به خاطر منافع دیگران از منافع شخصی چشم‌پوشی کند [۶]. تبلور روابط ناپسندیده با همگنان را می‌توان در نقش‌هایی جستجو کرد که کودکان با توجه به موقعیت و مسائل شخصی خود برمی‌گزینند. برخی از کودکان در پی غلبه بر همگنانشان به زورگویی آشکار یا زیرکانه می‌پردازند؛ زورگویی یکی از این نقش‌هاست، که به تمایل آگاهانه برای کسب امتیازهای روان‌شناختی و یا اجتماعی و مادی از دیگران اطلاق می‌شود و از طریق آزار، تهدید، استهزا و ترساندن صورت می‌گیرد [۷]. آنان همگنان مقابلشان که در نقش قربانی هستند را از فعالیتهای گروهی محروم کرده و به طور کلی طرد می‌کنند، منزوی می‌سازند [۸]. نتایج پژوهش‌های بین‌المللی در بین تمام کشورها نشان می‌دهد که بین ۴ تا ۴۵ درصد کودکان، زورگو، و یا قربانی در مقابل زورگویان هستند [۹]. برخی از صاحب‌نظران اظهار می‌کنند که: قربانیان کودکانی هستند که مضطرب‌تر، ناامن‌تر، محتاط‌تر، حساس‌تر و آرام‌تر از

حد معمول هستند؛ از لحاظ جسمانی اکثر قربانیان کوچکتر از زورگوها هستند و معمولاً توانایی کمتری در مراقبت جسمانی و کلامی از خود دارند [۱۰].

هم‌چنین آنان پیوندهای نزدیکتری با والدینشان دارند و شاید تحت مراقبت بیش از حد نیز قرار دارند. زورگویی موجب می‌شود تا آنان احساس تنهایی بیشتری کنند، و ممکن است شروع این احساس موجب شود که آنان خود را مستحق آزار دیدن بدانند، که این امر موجب خودکارآمدی ضعیفی در آنان می‌شود [۷]. تحقیقات در حوزه عملکرد اجتماعی نشان داده است که خودکارآمدی قوی هم در پرورش و هم در نگهداری و بهبود روابط پسندیده اجتماعی مؤثر است [۱۱].

بنابراین کودک زورگو، کودکی ناامن و ناراحت است. کودکان دیگر از او دوری می‌کنند. او گاهی متوجه این موضوع می‌شود اما نمی‌داند که چگونه باید با همگنان ارتباط برقرار کند و رفتار پسندیده اجتماعی از خود ارائه دهد.

مطابق با نتایج مطالعات گذشته، زورگویی همراه با تجارب زیادی از ناهنجاری‌های روانی و مشکلات هیجانی و اجتماعی است [۱۲]. رفتارهای زورگویی با استفاده از الکل و سیگار کشیدن، رابطه مثبت دارد. هم‌چنین در مهارت‌های مربوط به حل مسئله با مشکل مواجه هستند [۱۳]. در پژوهشی بر روی ۱۰۰ کودک دریافت شد که خودمهارگری ضعیف یک مورد تعدیل‌کننده و واسطه‌ای برای زورگویی و جرم است [۱۴]. پژوهشی بر روی ۱۵۲۵ کودک دبستانی انجام شد و محققین، دریافتند که کودکانی که زورگو هستند، منزلت اجتماعی پایینی میان همگنان دارند و نقش زورگویی، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی منزلت اجتماعی آنان میان همگنانشان باشد [۱۵]. زورگویان اغلب، سطوح بالاتری از مشکلات سلوک را از خود نشان می‌دهند و نظردهی نسبت به آنان منفی است [۱۳]. بنا به یافته‌ای در پژوهشی دیگر نیز کودکان زورگو در پیدا کردن دوست دچار مشکلاتی هستند و اغلب به علت رفتارهای منفی و ناپسندیده‌شان، دارای منزلت اجتماعی بسیار پایینی نزد همگنانشان هستند

سال تحصیلی دو مدرسه دبیرستانی در میدوسترن^۱، به اجرا گذاشت و ششصد و نود و نه دانش‌آموز این مدارس، در ابتدا و پایان سال تحصیلی مقیاس قربانی/زورگویی الویز را پر کردند. نتایج مانکوا نشان داده بود که میان دو گروه آزمایشی و کنترل، تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون زورگویی و قربانی مشهود است [۱۸]. و در نتیجه برنامه‌ی آموزشی الویز، یک برنامه مفید و موثر برای کاهش دادن میزان رفتارهای قربانی و زورگویی بود و به ایجاد محیطی امن و به افزایش رفتارهای پسندیده اجتماعی در مدارس، کمک کرد.

در داخل کشور نیز در مورد اقدامات درمانی و آموزشی زورگویی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است؛ پژوهشی تحت عنوان، "اثر بخشی برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی در کودکان، بر میزان رفتار زورگویی کودکان پایه‌ی پنجم دبستان" در شهرستان ابرکوه انجام داده شد؛ و به این نتیجه دست یافته شد که برنامه آموزشی کاهش زورگویی در کودکان در حکم روش آموزشی مؤثر برای کاهش زورگویی و افزایش میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی در کودکان زورگو، قابلیت استفاده دارد [۲۰].

خلاءهای نظری و پژوهشی بسیاری بالاخص در داخل کشور در زمینه زورگویی، و با توجه به پیش‌آگهی بعدی برای کودکان زورگو و کسانی که قربانی زورگویی می‌شوند و نظر به این که کودکان مذکور متحمل مشکلات زیادی در دوران مدرسه و سال‌های آتی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌شوند؛ هم‌چنین، با توجه به این مسئله که برای عملکرد بهینه اخلاقی کودکان، تمرکز اصلی باید روی اوایل و اواسط کودکی باشد (برای درونی کردن ویژگی‌های اخلاقی) [۲۱]، و اینکه کودکان زورگو در این سنین با توانش پایینی از این ویژگی‌ها روبه‌رو هستند، کودکان در مقطع دبستان، در پایه‌های دوم و چهارم انتخاب شدند. هم‌چنین تحقیقات قبل نشان می‌دهد که پسران به احتمال بیشتری نسبت به دختران، تمایل دارند به اینکه در طبقه‌بندی زورگو و زورگو/قربانی، قرار گیرند [۲۲]؛ لذا کودکان پسر زورگو

[۱۶]. صاحب‌نظری دیگر نیز به بررسی منزلت اجتماعی زورگویان پرداخت و به این منظور ۱۲۳۰ کودک زورگو ۱۰ تا ۱۲ ساله از مدارس متفاوت از شهر نترلند، را در پژوهش شرکت داد و با استفاده از مقیاس‌های خودگزارش دهی و ارزیابی معلمان، به این نتیجه دست یافت که زورگویان، رفتارهای پسندیده اجتماعی را بعنوان راهی برای روابط با همگنانشان به کار نمی‌گیرند اما به واسطه‌ی تسلطی که بر دیگر کودکان پیدا می‌کنند و آنان را کنترل می‌نمایند؛ مشهور و پذیرفته شده هستند و توصیه کرد که با آموزش کاهش رفتارهای زورگویی می‌توان به آنان (کودکان زورگو)، رفتارهای پسندیده اجتماعی را آموخت [۱۷]. ۲۵۰۰ کودک از ۴۲ مدرسه ابتدایی و دبیرستانی، در نوروژ و برگن در پژوهشی مورد بررسی قرار گرفتند، و بنا به یافته تحقیق، اثربخشی برنامه‌ی آموزشی الویز را ۵۰ درصد در کاهش زورگویی اعلام شد؛ در همان سال، نیز مجدداً این پژوهش بین ۳۲۰۰ کودک دیگر، تکرار شد و توانست ۲۱ یا ۳۸ درصد از مشکلات زورگویان و قربانیان را کاهش دهد. در سال ۲۰۰۴، نیز در پروژه‌ای درمورد مقابله با زورگویی، گزارش داده شد که قربانیان بصورت خودگزارش دهی، ۴۲ درصد کاهش [دختران ۳۳ درصد و پسران ۴۸ درصد]، و زورگویان، ۵۲ درصد کاهش [دختران ۶۴ درصد و پسران ۴۵ درصد]، را نشان داده‌اند [۱۸].

هم‌چنین در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر برنامه‌ی آموزشی الویز در سال ۲۰۰۵، با مطالعه بر روی بیش از ۴۵۰ مدرسه واقع در نروژ، دریافت شد که با اجرای برنامه‌ی مذکور می‌توان به سهولت، از میزان مشکلات ناشی از زورگویی و قربانی / زورگویی ۳۲ تا ۴۹ درصد، کاست [۱۸].

تأثیر برنامه‌ی آموزشی الویز در پژوهشی دیگر در شش مدرسه راهنمایی واقع در آمریکای شمالی، در طول چهار سال مورد بررسی قرار داده شد و اثر گذاری این برنامه بر روی کاهش رفتار زورگویی ۶۵ درصد اعلام شد [۱۹]. محقق دیگر، نیز برنامه‌ی آموزشی الویز را در طول

مورد هدف پژوهش قرار گرفتند.

بنابراین هدف اصلی از این پژوهش تعیین اثربخشی برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی بر میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان پسر پایه‌های دوم و چهارم مقطع ابتدایی شهر اصفهان بود.

روش

طرح کلی پژوهش

این پژوهش برحسب هدف، در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. به علاوه، برحسب طرح تحقیق از جمله طرح‌های نیمه تجربی همراه با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری است.

آزمودنی

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی کودکان پسر زورگو مقطع ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بوده است. به منظور اجرای طرح، ۴۰ کودک پسر زورگو (از مقاطع دوم و چهارم ابتدایی از هر مقطع ۲۰ کودک) انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش تصادفی چند مرحله‌ای بود که در طی سه مرحله صورت گرفته است. ابتدا از نواحی ششگانه آموزش و پرورش شهر اصفهان یک ناحیه‌ی آموزشی به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس با مراجعه به ناحیه‌ی انتخابی، چهار مدرسه ابتدایی پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و بعد با حضور در مدارس و مراجعه به پایه‌های دوم و چهارم، جامعه سنجی بین تمامی افراد حاضر در کلاس، اجرا شد و از بین کسانی که بیشترین انتخاب را بعنوان زورگو داشتند، تعداد ۴۰ کودک به طور تصادفی بعنوان نمونه انتخاب شدند؛ سپس به طور تصادفی به دو گروه ۲۰ نفری تقسیم و در گروه‌های آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. سپس، مداخله‌ی برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز، بر روی گروه آزمایش اجرا شد. بعد از پایان جلسات آموزشی بر روی گروه‌های آزمایش و کنترل پس‌آزمون (مقیاس سنجش روابط همگنان ریجبی و اسلی) اجرا شد. برای متغیر

مستقل (برنامه‌ی آموزش مبتنی بر الویز) ۱۰ جلسه آموزش گروهی ترتیب داده شد. هر جلسه‌ی آموزشی یک ساعت به طول می‌انجامد و هر هفته ۲ جلسه برگزار می‌شود. و تمامی ۲۰ نفر در گروه آزمایشی، در جلسات آموزشی شرکت می‌کردند و تحت آموزش متغیر مستقل پژوهش قرار گرفتند. ضمناً نتایج آماری، نشان داد که حجم نمونه کافی بود.

ابزارهای پژوهش

به منظور بررسی اطلاعات مورد نیاز از دو پرسشنامه سنجش روابط همگنان کودکان و جامعه سنجی استفاده شده است؛ که در بخش ذیل به معرفی پرسشنامه‌ها، روش نمره‌گذاری، قابلیت اعتماد و اعتبار آنها پرداخته می‌شود.

۱) جامعه سنجی

به صورتی که از کودکان می‌خواهند همگنان خود را بر اساسی درکی که از آن‌ها دارند و سئوالاتی که محقق از آن‌ها می‌پرسد، مورد سنجش قرار دهند و نام ببرند. در بررسی جامعه سنجی از کودکان حاضر در یک کلاس و یا یک گروه، بر اساس ملاک‌های تشخیصی زورگویی می‌خواهیم، همکلاسی‌هایشان را درجه‌بندی نمایند. محققان اغلب از کودکان سوال می‌کنند که منزلت اجتماعی همگنان خود را گزارش دهند [۲۳]. در یک بررسی جامعه سنجی از کودکان یک کلاس می‌خواهند، چند نفر را که دوست دارند و نیز چند نفر را که دوست ندارند، در بین همکلاسی‌های خود معرفی کنند. یا همگنان خود را بر حسب خواست آنها برای همکاری درجه‌بندی نمایند [۲۳]. روش جامعه سنجی که در پژوهش حاضر استفاده شده است مبنی بر روش کی و دادج، پالانز و واسرمن؛ به نقل از امیری [۲۳] است که از کودکان خواسته می‌شود که از بین همکلاسی‌های خود سه کودک که دارای ویژگی‌های زورگویی، قربانی و رفتار پسندیده اجتماعی هستند را مشخص نمایند؛ سپس پاسخ‌های کودکان استخراج می‌گردد و در نهایت کودکانی که بیشترین انتخاب را در بین همگنان به عنوان

زورگو داشته‌اند، به عنوان زورگو، مشخص می‌گردند.

۲) مقیاس سنجش روابط همگنان کودکان

این پرسشنامه در سال ۱۹۹۳ توسط ریجیبی و اسلی^۱ به منظور بررسی روابط همگنان کودکان مقطع ابتدایی تهیه و تنظیم شده‌است. یک پرسشنامه خودگزارش دهی است که توسط کودک تکمیل می‌گردد، این پرسشنامه مشتمل بر ۲۰ سؤال است و در یک مقیاس لیکرتی از ۱ به ۵ نمره گذاری می‌شود. این مقیاس برای نخستین بار توسط طبائیان، امیری و مولوی ترجمه و هنجاریابی شده‌است. برای این مقیاس سه زیرمقیاس منظور گردیده که عبارتند از: زیرمقیاس زورگوئی (با ضریب آلفای ۰/۷۳)، زیرمقیاس قربانی (با ضریب آلفای ۰/۷۰) و زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی (با ضریب آلفای ۰/۵۳)؛ که در این پژوهش به منظور رسیدن به اهداف پژوهش، نمرات زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی استخراج گردیده است [۲۴].

شیوه‌ی اجرای تحقیق

پس از مراجعه به پایه‌های دوم و چهارم مدارس که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، از هر دو مقیاس مذکور استفاده شد. ابتدا جامعه سنجی بین تمامی افراد حاضر در کلاس، اجرا شد و از بین آنان، کسانی که بالاترین نمره بعنوان زورگو به دست آورده بودند، بعنوان زورگو انتخاب شده و به منظور اجرای پیش‌آزمون، مقیاس سنجش روابط همگنان ریجیبی و اسلی، نیز به صورت گروهی و خود گزارش دهی، اجرا شد. با توجه به نتایج به دست آمده، ۴۰ دانش‌آموز پسر زورگو به طور تصادفی بعنوان نمونه انتخاب شد (از هر پایه ۲۰ نفر)؛ و سپس به طور تصادفی به دو گروه ۲۰ نفری تقسیم (از هر پایه ۱۰ نفر)، و در گروه‌های آزمایشی و کنترل جایگزین شدند و بر روی گروه آزمایش متغیر مستقل (برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر روش الویز) اعمال گردید. عناوین جلسات آموزشی با توجه به ویژگی‌های کودکان و بر اساس نظر الویز تنظیم شد [۲۵].

برای آموزش از شیوه‌های فعال یادگیری همچون بارش فکری، ایفای نقش توسط محقق و دیگر دانش‌آموزان، تعویض نقش، بازی، بحث و مناظره استفاده شد. اول هر جلسه ابتدا ارزیابی و یادآوری مطالب جلسه گذشته به عمل می‌آمد و در پایان جلسات نیز به منظور یادگیری بهتر مهارت‌ها تکلیف داده می‌شد. اهداف جلسات آموزشی به ترتیب زیر بود:

جلسه اول: ۱- معارفه و آشنایی اعضای گروه با یکدیگر و توضیح نوع ناتوانی افراد گروه برای یکدیگر (با هدف پذیرش مشکل و رفع احساس تنهایی)؛ ۲- مفهوم‌سازی و توصیف زورگوئی، علائم و پیامدهای آن در عملکرد اجتماعی و احساس شخصی؛ ۳- آشنایی با اهداف جلسات مداخله و علت برگزاری جلسات و ۴- بستن قرارداد مشارکت و بیان اثرات آموزش (به منظور افزایش انگیزه).

جلسه دوم: ۱- آشنایی با اصول عضویت در گروه مانند رعایت نوبت هنگام صحبت دیگران، قطع نکردن کلام آنها، رعایت ادب و احترام و مسخره نکردن یکدیگر، رازداری و خوب گوش کردن به شیوه نمایش با تأکید بر ارزشمندی و محترم بودن اعضا و ۲- ارائه تکلیف برای بکارگیری اصول تا جلسه بعد.

جلسه سوم: ۱- مرور جلسه قبل و پرسش درباره چگونگی بکارگیری اصول در طول هفته گذشته؛ ۲- بررسی خودآگاهی؛ ۳- بررسی آگاهی از زورگوئی؛ ۴- آموزش چگونگی آگاهی از احساسات فرد زورگو؛ ۵- آموزش چگونگی آگاهی از احساسات فرد قربانی؛ ۶- توصیف پیامدهای زورگوئی؛ ۷- تعمیق آشنایی با زورگوئی و ۸- ارائه تکلیف برای بکارگیری آموخته‌ها تا جلسه بعد.

جلسه چهارم: ۱- مرور جلسه قبل و پرسش درباره چگونگی بکارگیری آموخته‌ها در طول هفته گذشته؛ ۲- طرح داستانی از نزاع بین دو دوست (ایفای نقش با شرکت کنندگان)؛ ۳- ایفای نقش در داستان مطرح شده توسط شرکت کنندگان؛ ۴- بررسی دلیل توجه کردن به حل مسئله؛ ۵- شناسایی مرحله اول از روش حل مسئله

1. Slee, P.T.

کوچکترها و ۴- ارائه تکلیف برای بکارگیری آموخته‌ها تا جلسه بعد.

جلسه دهم: ۱- جمع‌بندی و مرور جلسات قبلی و پرسش درباره چگونگی بکارگیری آموخته‌ها در طول هفته گذشته؛ ۲- آموزش آبخار آرامش؛ ۳- ارائه تکلیف جهت بکارگیری آموخته‌ها برای همیشه و ۴- بیان لزوم پیگیری فرآیند آموزش توسط والدین در آینده.

بعد از پایان جلسات آموزشی بر روی گروه‌های آزمایش و کنترل پس‌آزمون (مقیاس سنجش روابط همگنان ریجی و اسلی) اجرا شد.

شیوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل داده‌ها از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار، و جهت آزمون فرضیه‌ها با توجه به رعایت پیش‌فرض‌ها، از تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) (Manova) استفاده شده‌است.

نتایج

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و کنترل را در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی، نشان می‌دهد. براساس این اطلاعات میانگین گروه‌های آزمایش پس از اعمال متغیر مستقل (برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی)، در زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی، افزایش نشان می‌دهد. از آنجا که حجم گروه‌ها مساوی (هر گروه متشکل از ۲۰ نفر) است؛ لذا علی‌رغم عدم تحقق این پیش‌فرض‌ها باز هم می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده و به نتایج آن‌ها استناد نمود. با این وجود پیش‌فرض‌های مذکور

(مسئله چیست؟) و ۶- ارائه تکلیف برای بکارگیری آموخته‌ها تا جلسه بعد.

جلسه پنجم: ۱- مرور جلسه قبل و پرسش درباره چگونگی بکارگیری آموخته‌ها در طول هفته گذشته؛ ۲- شناسایی مرحله دوم از روش حل مسئله (به چه شکل می‌توانم مسئله را حل کنم؟) و ۳- ارائه تکلیف برای بکارگیری آموخته‌ها تا جلسه بعد.

جلسه ششم: ۱- مرور جلسه قبل و پرسش درباره چگونگی بکارگیری آموخته‌ها در طول هفته گذشته؛ ۲- توضیح در مورد کنترل خشم و همدلی؛ ۳- طرح روش‌هایی برای کنترل خشم و همدلی (ایفای نقش با عروسک‌های انگشتی) و ۴- ارائه تکلیف برای بکارگیری آموخته‌ها تا جلسه بعد.

جلسه هفتم: ۱- مرور جلسه قبل و پرسش درباره چگونگی بکارگیری آموخته‌ها در طول هفته گذشته؛ ۲- شناسایی مرحله سوم از روش حل مسئله (آیا از راه حل خود استفاده کنم؟) و ۳- ارائه تکلیف برای بکارگیری آموخته‌ها تا جلسه بعد.

جلسه هشتم: ۱- مرور جلسه قبل و پرسش درباره چگونگی بکارگیری آموخته‌ها در طول هفته گذشته؛ ۲- طرح داستان از موقعیت زورگویی (شامل مفهوم فاصله‌ی فکر تا عمل)؛ ۳- شناسایی مرحله چهارم از روش حل مسئله (چگونه عمل کنم؟) و ۴- ارائه تکلیف برای بکارگیری آموخته‌ها تا جلسه بعد.

جلسه نهم: ۱- مرور جلسه قبل و پرسش درباره چگونگی بکارگیری آموخته‌ها در طول هفته گذشته؛ ۲- آشنایی با قوانین جهانی در مدارس؛ ۳- توضیح درمورد بودن یک الگوی خوب و پسندیده برای همگنان و

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری زیرمقیاس رفتار پسندیده

اجتماعی سنجش روابط همگنان

پیگیری		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه	زیرمقیاس
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۱/۵۹	۲۲/۱۵	۱/۳۴	۲۲/۱۵	۳/۸۲	۱۴/۲۰	آزمایش	رفتار پسندیده اجتماعی
۲/۹۲	۱۱/۰۵	۲/۷۹	۱۱/۳۰	۳/۷۱	۱۲/۹۰	کنترل	

تساوی واریانس‌های نمرات دو گروه در زیرمقیاس رفتارپسندیده اجتماعی سنجش روابط همگان، در هر دو مرحله‌ی پس‌آزمون و پیگیری، رد نمی‌گردد.

این پژوهش شامل فرضیه‌های پژوهشی زیر است که همراه با نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آن در این بخش ارائه می‌گردد.

فرضیه پژوهشی (۱): مداخله‌ی برنامه‌ی آموزشی کاهش زورگویی، میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان پسر پایه‌های دوم و چهارم ابتدائی را در مرحله‌ی پس‌آزمون افزایش می‌دهد.

چنانچه در جدول ۴ مشاهده می‌شود تأثیر برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی در مرحله‌ی پس‌آزمون، بر میانگین نمرات رفتارهای پسندیده اجتماعی معنادار است ($P < 0/0001$)؛ لذا فرضیه پژوهشی (۱) تأیید می‌شود.

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که میزان تأثیر آموزش کاهش زورگویی، $0/88$ بوده است و این بدان معناست که 88 درصد واریانس نمرات زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی مربوط به عضویت گروهی بوده

برای زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی سنجش روابط همگان در گروه آزمایش و کنترل بررسی شد؛ نتایج آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنف، مبنی بر نرمال بودن سطوح معناداری زیرمقیاس‌ها، و آزمون لوین مبنی بر تساوی واریانس‌های گروه‌های نمونه در جامعه، در جدول ۲ و ۳ نشان داد که پیش فرض‌ها برقرار بوده است.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده شد، بر طبق نتایج بدست آمده از سطوح معناداری آزمون نرمال بودن زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی سنجش روابط همگان، برای مواردی که پیش فرض اول (نرمال بودن توزیع نمرات گروه‌های نمونه در جامعه) برقرار باشد؛ برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده شد و در مورد گروه کنترل که پیش فرض اول برقرار نبود (سطح معناداری آن در جدول مربوطه با علامت * مشخص شده است)؛ آزمون‌های ناپارامتریک نیز جهت آزمون آن فرضیه به کار رفت. هنگام بررسی فرضیه پژوهشی به این مورد اشاره گردیده است.

نتایج آزمون لوین نشان می‌دهد فرض صفر مبنی بر

جدول ۲- سطوح معناداری در آزمون نرمال بودن زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی سنجش روابط همگان

آزمون کولموگروف-اسمیرنف				
زیرمقیاس	گروه	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
رفتار پسندیده اجتماعی	آزمایش	$0/18$	20	$0/078$
	کنترل	$0/24$	20	$0/003^*$

جدول ۳- سطوح معناداری در آزمون تساوی واریانس‌های زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی سنجش روابط همگان

آزمون لوین		
زیرمقیاس	میزان احتمال پس‌آزمون	میزان احتمال پیگیری
رفتار پسندیده اجتماعی	$0/41$	$0/10$

جدول ۴- نتایج تحلیل مانکوای مقایسه میانگین‌های نمرات پس‌آزمون زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی گروه‌ها

پس از کنترل پیش‌آزمون

متغیر	آماره	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری	سطح معناداری مان ویتنی - یو
پیش‌آزمون	$12/99$	$47/49$	1	$47/49$	$0/001$	$0/26$	1	-	
رفتار پسندیده اجتماعی	$290/43$	$1061/68$	1	$1061/68$	$0/0001$	$0/88$	1	$0/0001$	

جدول ۵- نتایج تحلیل مانکواي مقایسه میانگین‌های نمرات پیگیری زیرمقیاس رفتار پسندیده اجتماعی گروه‌ها پس از کنترل پیش‌آزمون

آماره متغیر	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری	سطح معناداری مان ویتنی - یو
پیش‌آزمون	۱۵/۰۳	۶۱/۱۱	۱	۶۱/۱۱	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸	۰/۹۶	-
رفتار پسندیده اجتماعی	۲۷۱/۲۰	۱۱۰۲/۲۷	۱	۱۱۰۲/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۸۸	۱	۰/۰۰۰۱

است. توان آماری ۱ و سطح احتمال نزدیک به صفر، دلالت بر کفایت حجم نمونه می‌باشد.

فرضیه پژوهشی (۲): مداخله‌ی برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی، میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان پسر پایه‌های دوم و چهارم ابتدایی را در مرحله‌ی پیگیری افزایش می‌دهد.

چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود تأثیر برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی در مرحله‌ی پیگیری، بر میانگین نمرات رفتارهای پسندیده اجتماعی معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$)؛ لذا فرضیه پژوهشی (۲) تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش بررسی اثر بخشی برنامه‌ی آموزش مبتنی بر روش الویز بر میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان پسر پایه‌های دوم و چهارم مقطع ابتدایی شهر اصفهان بود. فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش دال بر اثر بخشی بین آموزش کاهش زورگویی بر رفتار پسندیده اجتماعی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های صاحب‌نظران زیادی همسو می‌باشد [۱۹، ۱۸، ۲۰]. هم‌چنین بر نتیجه‌گیری پژوهش سیورز، صحنه گذاشت [۲۰]. در راستای مطالعات پژوهشی بالا نیز محققین به این نتیجه دست یافتند که زورگویان، رفتارهای پسندیده اجتماعی را بعنوان راهی برای روابط با همگنانشان به کار نمی‌گیرند اما به واسطه‌ی تسلطی که بر دیگر کودکان پیدا می‌کنند و آنان را کنترل می‌نمایند؛ مشهور و پذیرفته شده هستند. و توصیه می‌شود که با آموزش کاهش رفتارهای زورگویی می‌توان به آنان (کودکان زورگو)، رفتارهای پسندیده

اجتماعی را آموخت [۱۷].

با توجه به تحقیقات و یافته‌های ذکر شده، درمورد دلایل احتمالی تأثیر برنامه‌ی آموزش مبتنی بر روش الویز، می‌توان گفت ایجاد فرصتی برای کودکان زورگو می‌باشد که مهارت‌های مهم و اساسی روابط همگنان را بیاموزند و نسبت به رفتار خویش خودآگاهی پیدا کنند. در همین راستا، نمونه‌ی انتخابی این پژوهش، از مقطع دبستان بود؛ تا بتوان از این فرصت طلایی سال‌های ابتدایی رشد و تحول شناختی و اجتماعی استفاده‌ی بهینه را برای آموزش مهارت‌های خودمهارگری و حل مسئله استفاده کرد؛ و تا مادامی که اینگونه رفتارهای آزاردهنده در کودک نهادینه نشده و به اختلالات رفتاری منجر نشده است، از میزان بروز آن کاست. هم‌چنین نمونه‌ی انتخابی از پایه‌های دوم و چهارم بود و اثر تعامل همگنان در گروه آزمایشی با قدرت‌های جسمانی متفاوت در اثر بخشی برنامه بی تأثیر نبود. اجرای برنامه در قالب گروه متشکل از دو رده‌ی سنی، این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان زورگو انگیزه‌ی بیشتری برای تغییر داشته باشند و هنگامی که یک کودک به ایفای نقش می‌پردازد، برای سایر کودکان این فرصت اتفاق می‌افتد که در یک محیط بی دغدغه و به دور از شرایطی حاکم در یک نزاع و درگیری بین دو نفر، نظاره گر رفتار همگنش باشد و بتواند از او الگوگیری کند. هم‌چنین فرصت فکر کردن راجع به شناخت احساسات و چرایی انجام رفتار زورگویی و خودآگاهی نسبت به رفتار خویش را پیدا نماید و امکان بیان تجربه‌های شخصی و شریک شدن در تجربه‌های دیگران را دارد. هم‌چنین، در این برنامه، تنوع و جذاب بودن فعالیت‌ها موجب ایجاد انگیزه‌ی بیشتر برای مشارکت در جلسات آموزشی و مبین تأثیرات آن بود.

زورگو بیافزاید، و راه صحیح کسب منزلت اجتماعی را به آنان، آموزش دهد. هنگامی که کودک راه صحیح را بیرون از جلسات درمان در محیط مدرسه امتحان می‌کند احساس خوشایندتری از رفتار خود دارد تا وقتی که به واسطه‌ی قدرت جسمانی و روانی‌اش با زورگویی و رفتار آزاردهنده بر قربانیان تسلط پیدا می‌کند.

بدین ترتیب که نتایج آزمون پیگیری نشان داد، بدین ترتیب که نتایج آزمون پیگیری نشان داد، میزان افزایش رفتار پسندیده اجتماعی کودکان زورگو در طول زمان تقریباً ثابت مانده است. این یافته همسو با نتایج تحقیقات دیگر صاحب‌نظران بوده و برای سرمایه‌گذاری کلان و در حوزه آموزش و پرورش امیدوارکننده است.

بنابراین مهم‌ترین کاربرد این پژوهش می‌تواند اثربخشی آن در زمینه‌ی کاهش مشکلات زورگویی در مدارس و به طور کلی جامعه باشد. این روش می‌تواند به منظور کاهش رفتارهای آزاردهنده و مخرب و ارتقاء میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی در روابط همگنان به روانشناسان، روانپزشکان، مشاوران، مددکاران و کلیه متخصصان دست‌اندرکار مسائل کودکان پیشنهاد گردد. این پژوهش محدود به نظر دانش‌آموزان در زمینه «گروه زورگو» بود. روشن است که نظر والدین و معلمان، در این زمینه می‌تواند تکمیل‌کننده‌ی نظر همگنان باشد. پیشنهاد می‌شود برای تعمیم بیشتر یافته‌ها، طرح در جامعه دانش‌آموزان دختر و در دیگر مناطق نیز اجرا شود.

منابع

۱. رایس، فیلیپ. (۲۰۰۱). رشد انسان (روانشناسی رشد از تولد تا مرگ)، ویراست چهارم. ترجمه مهشید فروغان. (۱۳۸۷). تهران: انتشارات ارجمند.
۲. پورافکاری، ن. (۱۳۸۴). فرهنگ جامع روانشناسی و روانپزشکی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
3. LeGrand, S. (2002). Peer relationship. Columbian Co. Educational Service Center.
4. Parker, J. G. Rubin, K. H. Erath, S. A. Wojslawowicz, J. C. Buskrik, A. A. (2005). Peer Relationships, Child Development, and Adjustment: A Developmental Psychopathology Perspective. The Guilford Press. New York.

در این برنامه سعی شده بود که مهارت خودمهارگری، شناخت احساسات، همدلی و حل مسئله کودکان زورگو و رفتارهای پسندیده اجتماعی، در مدرسه به کودکان آموخته شود. یادگیری این مهارت‌ها توسط کودکان توانسته زمینه‌ی تصحیح تعاملات و روابط با همگنان را فراهم آورد و عزت نفس کودکان را بهبود بخشد، زیرا اغلب کودکان زورگو بعزت آسیب در مهارت‌های نامبرده از منزلت اجتماعی و پذیرش میان همگنانشان، برخوردار نیستند. بعلاوه، بین روابط کودک و مهارت‌های اجتماعی او، الگویی چرخه‌ای، از تأثیرات وجود دارد. بطور مثال رفتار ناخوشایند و آزارنده در ابتدا منجر به طرد همگنان می‌شود و این موضوع به نوبه‌ی خود منجر به تلاش‌های بیهوده کودک طرد شده برای دستیابی به پذیرش و منزلت اجتماعی بالا می‌شود، و این تلاش‌ها خود باعث طرد بیشتر می‌شوند. به علاوه طرد پیوسته همگنان، احتمالاً بر روی عزت نفس کودک و انتظار دیگران تأثیر می‌گذارد، و این‌ها به نوبه‌ی خود می‌تواند باعث تشدید مشکلات اجتماعی و ایجاد مشکلاتی در زمینه‌های دیگر شود. بنابراین برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی با ارائه تکنیک‌های خودمهارگری، مسئولیت‌پذیری، همدلی، حل مسئله، به تأخیر انداختن خواسته‌ها و تحمل، ایفای نقش در هر دو نقش قربانی و زورگویی، تن آرامی و آرامش عضلانی در جهت ارتقاء احساس ارزشمندی و پذیرش از جانب همگنان می‌گردد و بدین گونه میزان رفتارهای زورگویی، آزاردهنده و ناپسندیده کاهش می‌یابد.

بطور کلی در تبیین یافته‌ها می‌توان اینگونه استنباط کرد که وقتی خواسته‌های یک موقعیت اجتماعی، بیشتر از مهارت‌های اجتماعی و توانایی‌های کودکان زورگوست و آنها قادر نیستند از کلمات و رفتارهای موثر در روابط همگنان استفاده کنند و احساسات خود را بروز دهند، از این روش‌ها به عنوان آخرین وسیله استفاده می‌کنند و خشونت و بی‌رحمی را بهترین راه می‌دانند، برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی توانست این خلاءها را تا حدودی پر کند و با آموزش رفتار صحیح و مهارت‌های دوستیابی بر میزان رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان

16. Kuk, P. N. (2010). Understanding school bullying: A general theory of crime and empirical findings. University of Texas at San Antonio: Thesis for the Degree of Doctor for the Degree of Doctor .
17. Mertens, N. (2010). Social competence in bullies, defenders and neutrals: A Comparison. University of Utrecht: Bachelor Thesis .
18. Reymond, A. L. (2009). An evaluation of the olweus bullying prevention program's effectiveness in a high school setting. University of Cincinnati: A Dissertation Of the Requirements for the Degree Doctor of Counselor Education .
19. Black, S. Jackson, E. (2007). Using bullying incident density to evaluate the Olweus bullying prevention programme. *School Psychology International*, 28, 623-638.
۲۰. پورسید، ر، امیری، ش. و مولوی، ح. (۱۳۸۹). اثربخشی برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی در دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی. فصلنامه پژوهش در حیطه‌ی کودکان استثنایی. سال دهم، شماره ۲، ۱۱۳-۱۲۱.
۲۱. جان بزرگی، م. نوری، ن. آگاه هریس، م. (۱۳۸۹). آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان. تهران: انتشارات ارجمند.
22. Juvonen, J. Graham, S. & Schuster, M. A. (2003). Bullying among young adolescents: The strong, the weak, and the troubled. *Journal of Pediatrics*. 112, 1231-1237 .
۲۳. امیری، ش. (۱۳۸۰). بررسی تحولی رابطه منزلت اجتماعی با رفتار سازشی، مهارت اجتماعی و اختلال‌های رفتاری از کودکی تا نوجوانی. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. طبائیان، ر. امیری، ش. (۱۳۸۷). بررسی ساختار عاملی، پایایی، روائی هم‌گرا و روائی تشخیصی مقیاس سنجش روابط با همگنان (PRQ). *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*.
25. Olweus, D. (1993). The Olweus Bullying Prevention Program. Available: [www. Clemson. Edu/Olweus](http://www.Clemson.Edu/Olweus) .
۵. کراتوچویل، ر. موریس، ج. (۱۳۷۸). روان‌شناسی بالینی کودک (روشهای درمانگری). ترجمه نائینیان و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
۶. ماسن، پ. کیگان، ه. و وی کانجر. (۱۳۶۸). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: انتشارات مرکز.
۷. فونتانا، د. (۱۳۸۵). روان‌شناسی در خدمت معلمان: تعاملات اجتماعی (جلد سوم). ترجمه صغری ابراهیمی قوام. تهران: انتشارات نوبهار.
8. Bruyn, E. H., Cillessen, A. H. & Wissink, I. B. (2010). Associations of peer acceptance and perceived popularity with bullying and victimization in early adolescence. *Journal of early adolescence*, 30 (4), 543-566 .
9. Fleming, L. C. & Jakobsen, K. H. (2009). Bullying and symptoms of depression in Chilean middle school students. *Journal of school health*. 79 (3), 123-135 .
10. Turner, H. A. Finkelhor, D. & Ormrod, R. (2010). Child mental health problems as risk factors for victimization. *Journal of Child maltreatment*, 15 (2), 132-143 .
11. Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. New York. Freeman.
12. Brennan, M. L. Bradshaw, C. P. & Sawyer, A. L. (2009). Examining developmental differences in the social-emotional problems among frequent bullies, victims, and bully/victims. *Journal of Psychology in the Schools*, 46 (2), 100-115 .
13. Keffe, F. K. (2008). An evaluation of the olweus bullying prevention program. Hofstra University: Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Psychology .
14. Nofziger, S. (2008). The "cause" of low self-control the influence of maternal self-control. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 45 (2), 191-224 .
15. Schäfer, M. Korn, S. Brodbeck, F, C. Wolk, C & Schalz, H. (2004). Bullying roles in changing contexts: the stability of victims and bully roles from primary to secondary school. Munich, Germany: Ludwig-Maximilians-University, Department of Psychology, Institute for Educational Psychology. Available: <http://Ismandl.emp.paed.uni-muenchen.de>